

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال پنجم ♦ شماره ۱۰ ♦ پاییز و زمستان ۱۳۹۸  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۰۸ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۶/۱۲ ♦ صفحات: ۲۹-۴۷

## دگردیسی گفتمان وهابیت در حیطه مسائل سیاسی - مذهبی

مصطفی سلطانی\*

مجتبی محیطی\*\*

### چکیده

گفتمان وهابیت در طول حیات ۲۵۰ ساله خود، فرازونشیب‌های بسیاری داشته است؛ اما آنچه بسیار مشهود است، دگردیسی و تحول وهابیت در حوزه مسائل سیاسی - مذهبی است. این جریان مدعی سلفیگری در ابتدای شکل‌گیری، رویکردی خشن به مذهب داشت؛ به این صورت که گفتمان وهابیت، هم در حوزه مسائل اجتماعی و هم در سیاست، برگرفته از افکار محمدبن عبدالوهاب بود. در واقع محمدبن سعود، مجری احکام و فتاوی محمدبن عبدالوهاب بود. به تدریج این روند تغییر پیدا کرد و اکنون اگرچه پیوند آل‌شیخ و آل سعود وجود دارد، کیفیت تفاهم این دو، با گذشته تفاوت بسیاری پیدا کرده است. در عصر حاضر، این آل‌شیخ است که متأثر از آل سعود است. این دگردیسی باعث شده است که رویکرد وهابیت در حوزه مسائل اجتماعی و سیاسی تفاوت محسوسی داشته باشد. این پژوهش با بررسی این تفاوت‌ها به وضعیت وهابیت در حال حاضر پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، آل‌شیخ، آل سعود، محمدبن عبدالوهاب، محمد بن سلمان.

---

\* استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ Proman.ms@gmail.com

\*\* دانش‌پژوه سطح ۴ نقد وهابیت، پژوهشگر مؤسسه دارالاعلام؛ Mohiti1360@gmail.com

## مقدمه

وهابیت جنبشی سیاسی - مذهبی است. این جنبش افراطی را نمی‌توان مذهبی صرف یا سیاسی صرف دانست، بلکه پیدایش گفتمان وهابیت از زمانی آغاز شد که محمد بن عبدالوهاب به عنوان پشتوانه مذهبی وهابیت با محمد بن سعود به عنوان پشتوانه سیاسی وهابیت با یکدیگر به توافق رسیدند تا یکدیگر را یاری رسانند و این همکاری در نسل‌های بعدی نیز ادامه پیدا کرد.<sup>۱</sup> از همکاری آل شیخ و آل سعود می‌توان با عنوان ارتباط شیخ و شاه نام برد. مشروعیت مذهبی از طریق فرزندان محمد بن عبدالوهاب (آل شیخ) و مشروعیت سیاسی از طریق فرزندان محمد بن سعود (آل سعود) ادامه پیدا کرد. در آغاز همکاری، غلبه با تفکر مذهبی بود؛ یعنی قدرت سیاسی و مذهبی در اختیار محمد بن عبدالوهاب بود و محمد بن سعود و فرزندش عبدالعزیز، مجری احکام محمد بن عبدالوهاب بودند؛ ولی به تدریج این روند تغییر پیدا کرد.

ابن بشر، تاریخ‌نگار وهابی، جایگاه محمد بن عبدالوهاب را در آغاز کار به گونه‌ای توصیف می‌کند که نشان از قدرت و نفوذ محمد بن عبدالوهاب دارد؛ به گونه‌ای که هیچ‌کس حتی سعود و فرزندش، عبدالعزیز، بدون رأی محمد بن عبدالوهاب اجازه هیچ کاری نداشتند. اذن جهاد و تقسیم غنایم و همه امور شرعی و بیت‌المال در اختیار محمد بن عبدالوهاب بود و بعد از جنگ‌ها وی اموال را هرگونه که مایل بود، تقسیم می‌کرد و هیچ‌کس حق اعتراض نداشت. این روند تا زمان تصرف ریاض ادامه داشت؛ اما بعد از فتح ریاض، محمد بن عبدالوهاب امور بیت‌المال را به آل سعود سپرد.<sup>۲</sup>

اگرچه در ابتدای کار قدرت با مذهب وهابیت بود و آل سعود فقط مجری احکام وهابیت بودند، به تدریج و در طول دهه‌های بعد، این روند تغییر پیدا کرد؛ به گونه‌ای که قدرت آل سعود بیشتر شد و آل شیخ ابزاری در دست آل سعود برای پیشبرد اهدافشان بودند. به همین سبب می‌توان گفت وهابیت در طول حیات ۲۵۰ ساله خود از گرایش‌های سیاسی و مذهبی فاصله گرفته است. وهابیت جدید ظاهری وهابی دارد؛ ولی در واقع آیین وهابیت ابزاری برای پیشبرد اهداف سیاسی است. شواهد قطعی در

۱. ابن بشر، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۴۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۶.

تأیید این مطلب وجود دارد که به تبیین آنها می‌پردازیم.

### اول: تغییر نام پادشاهان سعودی از «امام» به «ملک»

اولین شاهد بر فاصله، گفتمان وهابیت از مذهب را می‌توان در تغییر نام پادشاهان سعودی جست‌وجو کرد. پادشاهان سعودی از زمان سعود (اولین پادشاه سعودی) تا زمان فیصل بن ترکی لقب «امام» داشتند؛ ولی از ۱۹۲۶ و در دوران پادشاهی عبدالعزیز، لقب ملک و پادشاه را برای خود انتخاب کردند. این نام‌گذاری‌ها نشان از دوری گفتمان وهابیت از مذهب بود؛ زیرا القاب ملک و پادشاه القابی کاملاً سکولار و غیردینی بودند.<sup>۱</sup> ابن بشر مورخ کتاب عنوان المجد فی تاریخ نجد که در بردارنده حوادث سال‌های ۱۱۵۷ تا ۱۲۶۷ قمری است، از شاهان سعودی با عنوان امام یاد کرده است. او از آخرین پادشاه سعودی که به بررسی تاریخش پرداخته، با عنوان «الامام فیصل بن ترکی» یاد برده است.<sup>۲</sup> اما این نام‌گذاری به تدریج تغییر پیدا کرد و از نام امام که جنبه مذهبی داشت، به نام «الملک» تغییر یافت. عبدالله صالح العثیمین، تاریخ‌نگار معاصر وهابی، در جلد اول کتابش از پادشاهان سعودی با عنوان امام یاد کرده؛ ولی در جلد دوم از آنان با نام الملک یاد کرده است؛ تا جایی که در عنوان جلد دوم کتابش چنین آمده است: «الجزء الثانی عهد الملک عبدالعزیز».<sup>۳</sup>

### دوم: استفاده ابزاری از اخوان التوحید

ملک عبدالعزیز مؤسس دولت سوم سعودی است که توانست پیوند آل‌شیخ و آل‌سعود را احیا کند. او توانست از قدرت مذهبی وهابیت نهایت استفاده را در تصرف مناطق شبه جزیره عربستان ببرد. وی در سال ۱۳۱۹ قمری ریاض را تصرف کرد<sup>۴</sup> و از همین رهگذر نیز توانست بر مخالفانش در نجد، حجاز، احساء، قطیف و سایر مناطق عربستان فائق آید. آل‌شریف در حجاز و آل‌رشید در نجد از دشمنان آل‌سعود بودند. درگیری‌های بسیاری بین ملک عبدالعزیز و آل‌شریف و آل‌رشید اتفاق افتاد که بالاخره

۱. حسن احمدیان، دین و دولت در عربستان سعودی از دولت وهابی تا وهابیت دولتی، کتاب خاورمیانه، ص ۹۰-۹۱.

۲. ابن بشر، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۲، ص ۲۹۰.

۳. ر.ک: عبدالله صالح العثیمین، تاریخ المملكة العربية السعودية، ج ۲، ۹، ریاض، جامعة الملک سعود، ۱۴۳۰ق.

۴. همان، ص ۵۲.



آل سعود غالب شد.<sup>۱</sup> عبدالعزیز از «اخوان» در جهت تثبیت حکمرانی خود استفاده بسیار کرد. اخوان یا همان اخوان التوحید قبایلی بیابانی بودند که به تدریج شهرنشین شده بودند و تحت تعالیم شیوخ وهابی برای یاری عبدالعزیز شمشیر به دست گرفتند و از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۲۵ میلادی همانند شمشیری بران در دست عبدالعزیز بودند.<sup>۲</sup> او توانست به کمک اخوان، قبایل متمرّد را مطیع خود کند و فتوحات بزرگی به ثمر بیاورد. بنابراین اتحاد آل سعود با آل شیخ (علما و اخوان التوحید که نیروهای تربیت شده شیوخ وهابی بودند)، ثمرات بسیاری برای عبدالعزیز داشت. ولی با وجود ثمرات زیادش، مشکلاتی نیز برای او به بار آورد؛ زیرا وهابیت سنتی، پادشاه را نیز مقید به اصول اسلامی با تفسیر اسلام وهابی می کردند و هرگونه تحرک پادشاه خارج از چارچوب این اصول را خطاهایی می دانستند که مستلزم توبه و حتی عزل پادشاه بود. نخستین مشکلی که در زمان عبدالعزیز پدیدار شد، مربوط به همان سال های اول تأسیس بود؛ برای مثال در جریان تفاهم عبدالعزیز با شیعیان احساء و قطیف، اخوان التوحید گله مند شدند و از پادشاه خواستند که رفتارش را در برابر شیعیان تغییر دهد و از شیعیان بخواهد یا اسلام بیاورند و در صورتی که از اسلام امتناع کردند، آنان را بکشد.<sup>۳</sup> اما عبدالعزیز به سخنان آنان که در حقیقت برخاسته از آیین وهابیت بود، عمل نکرد.<sup>۴</sup> از دیگر اختلافات عبدالعزیز با اخوان التوحید که از پیروان سرسخت آل شیخ بودند، در مسئله استفاده از ابزار و صنایع مدرن بود؛ برای مثال اخوان التوحید معتقد بود صنایع جدیدی همچون تلگراف، تلفن، بی سیم، برق، تلویزیون، ماشین و هواپیما ابزار شیطان اند و نباید از آنها بهره گرفت. این در حالی بود که عبدالعزیز به نقش صنایع در رفع دشواری ها واقف بود و به ورود صنایع جدید به کشور اقدام کرد.<sup>۵</sup>

عقاید و رفتارهای اخوان التوحید که برخاسته از عقاید وهابیت بود، به تدریج راه اخوان التوحید را از عبدالعزیز جدا کرد. در سال ۱۳۴۴ق/۱۹۲۵م سرکردگان اخوان

۱. همان، ص ۴۵-۱۴۵.

۲. جمعی از نویسندگان، موسوعة المملكة العربية لسعودیة، ج ۱۴، ص ۱۸۱.

۳. امیرسعود بن هذلول، تاریخ ملوک آل سعود، ص ۱۸۶.

۴. ایلکسی فاسیلیف، تاریخ العربیة السعودیة، ص ۳۹۷.

۵. امیرسعود بن هذلول، تاریخ ملوک آل سعود، مطابع الرياض، ص ۱۸۶.

نامه‌ای خطاب به عبدالعزیز نوشتند<sup>۱</sup> و مراتب گلایه و مخالفت خود را در مورد برخی رفتارهای عبدالعزیز متذکر شدند. از آن جمله مخالفت با اعزام فیصل به همراه فیلبی به لندن، اعزام سعود به مصر، واردات ابزارها و صنایع مدرن مثل هواپیما و تلگراف و بی‌سیم، هم‌نشینی عبدالعزیز با اروپایی‌ها، اجازه دادن عبدالعزیز به عشایر عراق و عشایر شرق اردن برای برخورداری از مرتع‌ها و اراضی عربستان و سکونت عبدالعزیز در برابر شیعیان احساء و قطیف بود.<sup>۲</sup>

عبدالعزیز در ابتدای دولت خود از کمک نظامی اخوان‌التوحید نهایت استفاده را کرد؛ ولی زمانی که به آنها نیاز چندانی نداشت، به مقابله با آنان برخاست و در سال ۱۹۲۹م (۱۳۴۷ق) در محلی به نام سبله به مصاف اخوان رفت و اخوان‌التوحید را نابود کرد.<sup>۳</sup> مقابله با اخوان آغاز کنترل دولت بر مذهب بود و عبدالعزیز بن سعود اعلام کرد از این پس هرکسی اجازه تفسیر متون دینی را ندارد، بلکه تعدادی از علمای مذهبی حق تبلیغ باور مذهبی و صدور فتوا دارند.<sup>۴</sup> به این ترتیب علمای درباری (آل‌شیخ) که تفسیری مطابق با رأی و دیدگاه آل سعود داشتند، شکل گرفتند. در نتیجه، دگردیسی وهابیت در حوزه مسائل مذهبی به صورت جدی مورد توجه حاکمان سعودی قرار گرفت.

### سوم: تبعیت آل‌شیخ از آل سعود با صدور فتاوی سیاسی

شاید در ظاهر تصور شود دولت سعودی آینه تمام‌نمای آیین وهابیت است؛ اما حقیقت آن است که دولت سعودی در حوزه‌های اقتصادی - سیاسی هیچ‌گونه تبعیتی از آیین وهابیت ندارد، بلکه برعکس، این علمای وهابی‌اند که در این حوزه‌ها تابع آل سعودند و با فتاوی سیاسی، سیاست‌های دولت سعودی را تأیید می‌کنند. علمای وهابی تنها کنترل‌کننده اعمال مذهبی در عرصه اجتماعی‌اند؛ در حالی که شاهزادگان سعودی و تکنوکرات‌های دارای تحصیلات مدرن که بیشتر در آمریکا و کشورهای اروپایی درس خوانده‌اند، کنترل سیاست، اقتصاد، روابط خارجی و امور داخلی را بر عهده دارند.<sup>۵</sup>

۱. ابراهیم بن محمد القاضی، تاریخ القصیم السیاسی، ص ۱۶۰.

۲. امیر سعود بن هذلول، تاریخ ملوک آل سعود، ص ۱۸۶.

۳. حافظ وهبه، جزیره العرب فی القرن العشرين، ص ۳۲۴.

۴. مضاوی الرشید، عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید، ص ۶۶.

۵. همان، ص ۶۱.



علمای وهابی در مقابل سیاست‌های آل سعود به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. علمای درباری که از آن به آل‌شیخ تعبیر می‌شود و علمای وهابی که مخالف سیاست‌های آل سعودند و به این سیاست‌ها انتقاد دارند. از آنجاکه شاهزادگان سعودی برای پیشبرد اهدافشان نیاز به تأیید علما دارند، دسته‌ای را تأیید، و دسته‌ای دیگر را سرکوب می‌کنند. از اینجاست که آل‌شیخ مورد تأیید دولت سعودی است تا از طریق آنها سیاست‌های خود را مشروع سازند. در حقیقت آل‌شیخ با فتاوی خود درصدد مشروعیت سیاست‌های آل سعودند.<sup>۱</sup>

شیوخ وهابی، به هر طریق ممکن، خواهان حفظ دولت سعودی‌اند. آنها برای بقای خود در قدرت، حاضرند در حوزه مسائل سیاسی، تفسیری خاص از دین ارائه دهند تا خواسته‌های آل سعود را تأمین کنند؛ اما در مقابل، در حوزه مسائل اجتماعی که در اختیار خودشان (آل‌شیخ) است، بسیار محدودکننده رفتار می‌کنند. آنها با امرونهی‌های بی‌پایان، از بسیاری از اعمال مردم برحذر می‌دارند و آنها را در حوزه اجتماعی بدعت و خارج از دین می‌شمرند. این در حالی است که در حوزه سیاست، بسیار گشاده‌دست عمل کرده، اعمال خلاف شرع حاکمان را توجیه می‌کنند؛ برای مثال در حوزه مسائل اجتماعی به مردم می‌گویند که نباید با کفار رابطه داشته باشید؛ نباید در خیابان و معابر به کفار سلام دهید؛ نباید به بلاد کفر سفر کنید؛ باید قلباً از کفار نفرت داشته باشید؛ اما از سوی دیگر در حوزه سیاسی برای تأیید حاکمیت، به مردم اجازه می‌دهند در میدان نبرد پشت سر ژنرال‌های ارتش کفار بایستند و بجنگند. همچنین با فتاوی خود، اجازه ساخت پایگاه‌های نظامی به دست کشورهای کافر را در داخل کشور می‌دهند. این تضادها در رفتارهای عالمان وهابی در حوزه اجتماعی و سیاسی باعث شده مردم شاهد رویکرد متناقض علمای وهابی در حوزه دین باشند.<sup>۲</sup> از سویی در مسائل سیاسی گشاده‌دست عمل می‌کنند و براساس خواست حاکمیت سعودی هرگونه تفسیری از دین را جایز می‌دانند و به این ترتیب دست آل سعود را در هرگونه جنایت و ارتباط با کشورهای کفار آزاد می‌گذارند و از سوی دیگر در حوزه مسائل اجتماعی که مردم هر روز و شب

۱. همان، ص ۶۳.

۲. همان، ص ۷۸-۷۹.

با آن درگیرند، سخت‌گیرانه عمل می‌کنند و از اعمال بسیاری چون رانندگی زنان و سفر بدون محارم بر حذر می‌دارند.

در دهه‌های اخیر، آل‌شیخ با صدور فتاوی‌ای در صدد تأیید اعمال آل‌سعود بوده‌اند. این فتاوا با مبانی آیین وهابیت سازگاری نداشته است؛ ولی چون آل‌شیخ، قدرت خود را در تداوم حکومت سعودی می‌دیدند، سعی کرده‌اند به هر شکل ممکن، اعمال و رفتارهای خلاف شرع آل‌سعود را تأیید کنند. شواهد بسیاری در این باره وجود دارد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

### ۱. فتوای عبدالعزیز بن‌باز در مقابله با جهیمان

در جریان تصرف مسجدالحرام به دست جهیمان العتیبی در سال ۱۴۰۰ قمری، ملک خالد از نیروهای فرانسوی خواسته بود که آنان را سرکوب کنند. این در حالی بود که ورود نیروهای کافر به مسجدالحرام از نظر وهابیت اشکال دارد. در این زمان بود که عبدالعزیز بن‌باز، مفتی سابق عربستان سعودی، به کمک و یاری آل‌سعود آمد<sup>۱</sup> و با اجازه او و علمای وهابی چتربازان فرانسوی وارد مسجدالحرام شدند و در مسجد آب ریختند و با کشتن شورشیان به وسیله برق قضیه را به اتمام رساندند.<sup>۲</sup> به این ترتیب علمای وهابی نشان دادند که حاضرند از سیاست آل‌سعود به هر قیمتی حمایت کنند.

### ۲. فتوای علمای وهابی به اجازه استفاده از خاک عربستان به دست نیروهای آمریکا

در سال ۱۹۹۰ صدام حسین به کویت حمله کرد. اسامه بن‌لادن، نیروهای نظامی خود و نیروهای جهادی‌اش را برای آزادسازی کویت و جنگ با صدام بسیج کرد و به رژیم سعودی پیشنهاد داد که با نیروهایش وارد خاک کویت شود و با صدام مقابله کند. رژیم سعودی پیشنهاد بن‌لادن را نپذیرفت و به جای آن از نیروهای ائتلاف آمریکایی خواست که عراق را از کویت خارج کنند. درخواست کمک از نیروهای کافر برای مقابله با مسلمانان با مبنای اسلامی سازگاری ندارد. با وجود این، آل‌سعود به پشت‌گرمی فتوای علمای وهابی، خیالشان راحت بود که عالمان وهابی فتوای جواز بهره‌گیری از کشورهای ائتلاف به رهبری آمریکا را به آنها خواهند داد و همین‌طور نیز شد. بن‌باز با فتوایی جواز

۱. همان، ص ۲۰۱-۲۰۲.

۲. ابوریث سعید، آل‌سعود و انتفاضة الحرم، ص ۱۱۸.



استفاده نیروهای ائتلاف از خاک عربستان را برای مقابله با صدام حسین در کویت داد.<sup>۱</sup> به این ترتیب نیروهای بین‌المللی به رهبری آمریکا وارد کشور عربستان شدند و شورای علمای ارشد، ورود نیروهای بین‌المللی را مشروعیت بخشید.<sup>۲</sup> این کار شورای علمای ارشد عربستان و بن‌باز باعث شد جایگاه دیدن در نزد مردم به شدت متزلزل شود و علمای وهابی اعتبار خود را در سطح گسترده‌ای از دست بدهند؛<sup>۳</sup> زیرا شیوخ وهابی از سویی در حوزه مسائل سیاسی، به جواز ارتباط با کفار حکم می‌دهند و از سوی دیگر در حوزه مسائل اجتماعی گفته‌اند یهودیان و مسیحیان کافرند و هرکس به کفر آنها حکم نکند نیز کافر است.<sup>۴</sup> همچنین افتتاح مدارس خارجی در کشورهای اسلامی را حرام می‌دانستند و به هیچ‌کس اجازه نمی‌دادند که ساختمانی به آنها اجاره دهد.<sup>۵</sup> چنین تناقضاتی باعث شده است گفتمان دینی رسمی آل‌شیخ اعتبار خود را از دست بدهد و نشان دهد که به شدت در خدمت آل‌سعود است.<sup>۶</sup>

### ۳. جواز صلح با اسرائیل

پس از تحولات جنگ دوم خلیج فارس که عربستان امنیت شکننده‌ای داشت و حمایت آمریکا باعث حفظ قدرت شده بود، با رایزنی آمریکا، یک هیئت ده نفره از رهبران جامعه یهودیان آمریکا در اکتبر ۱۹۹۴ به ریاست آبراهام فاکسمن به مدت پنج روز از عربستان

۱. محمدبن عبدالوهاب ده چیز را از نواقض اسلام می‌داند که اسلام شخص را از بین می‌برد. هشتمین مورد را استعانت از کفار علیه مسلمانان می‌داند. الثامن: مظاهرة المشركين ومعاونتهم على المسلمين (ابن عبدالوهاب نجدی، الرسائل الشخصية، ص ۲۱۳). با وجود این، علمای وهابی معاصر برای تأیید آل‌سعود به گونه‌ای درصدد توجیه استعانت از کفارند؛ مثلاً بن‌باز برای توجیه سیاست آل‌سعود در طلب کمک از ائتلاف آمریکا می‌گوید: در مورد مصلحت مسلمین کمک گرفتن از کفار اشکالی ندارد و کسی که این حقیقت مهم را درک کند و خطر بزرگ دشمنان اسلام را ببیند و دلایل شرعی را بشناسد، به وضوح درمی‌یابد که استعانت از مشرکان هنگام ضرورت جایز است. فالعدو إذا كان في مصلحتنا و ضد عدونا فلا حرج علينا أن نستعين به ضد عدونا (عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، مجموع فتاوی بن باز، ج ۱۸، ص ۲۲۵).

۲. مضاوی الرشید، عربستان سعودی و جریان‌های اسلامی جدید، ص ۲۰۴.

۳. همان، ص ۷۱.

۴. ولكن مع هذه الحجة القطعية وجدنا بعض العلماء يقولون: إن أهل الكتاب ليسوا كفارا، وإنما كانوا أهل الكتاب فقط.. أفيدونا عن هذه المسائل. ج ۳: من قال ذلك فهو كافر (الدويش أحمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۲، ص ۳۰).

۵. الدويش، احمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، ج ۲، ص ۷۶، به نقل از: حسن فرحان مالکی، نگاهی به غلو اندیشی و افراط‌گرایی علمای معاصر عربستان، ص ۲۷۹.

۶. حسن فرحان مالکی، نگاهی به غلو اندیشی و افراط‌گرایی علمای معاصر عربستان، ص ۲۲۲.



سعودی دیدار و با تنی چند از مقامات سعودی از جمله وزیر امور خارجه این کشور ملاقات کردند. این هیئت برای نزدیک کردن روابط اسرائیل و عربستان به ریاض سفر کرده بود. مقامات آل سعود که سیاست را در ارتباط با اسرائیل می دیدند، برای حل مشکلات احتمالی از رهبران وهابی درخواست حکم شرعی کردند. بن باز، مفتی سابق عربستان، در این خصوص گفت: در صورتی که ولی امر در صلح با اسرائیل مصلحتی ببیند، ترک مخاصمه همیشگی یا موقت جایز است. اسرائیل اکنون دشمن به حساب نمی آید و صلح با آن جایز است.<sup>۱</sup>

این فتاوی علمای وهابی نشان دهنده تبعیت آل شیخ از آل سعود است که نشان می دهد وهابیت وارد عصر جدیدی شده است که هدف در آن اجرای آموزه های دینی نیست، بلکه برای هر دو طرف (آل شیخ و آل سعود) فقط بقا در قدرت مهم است، نه اجرای آموزه های وهابی.

### چهارم: همراهی با بن سلمان جهت سکولاریزه کردن جامعه عربستان

از زمانی که محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد معرفی شده است، در صدد آن است که جامعه سنتی عربستان را سکولار کند. وی با تمام توان در صدد است که سند ۲۰۳۰ را اجرا کند.<sup>۲</sup> این در حالی است که جامعه عربستان به شدت سنتی و قبیله ای است و اجرای احکام غیر الهی و آزادی زنان را نمی پذیرد. اتفاقات سال های اخیر جامعه عربستان نشان می دهد جامعه مذهبی این کشور به شدت در مضیقه است، هر چند تفکری که بن سلمان رهبری می کند، مورد توجه جوانان قرار گرفته است. امروزه در

۱. الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وبعد: فهذه أجوبة على أسئلة تتعلق بما أفتينا به من جواز الصلح مع اليهود وغيرهم من الكفرة صلحا مؤقتا أو مطلقاً على حسب ما يراه ولي الأمر - أعني: ولي أمر المسلمين الذي تجري المصلحة على يديه - من المصلحة في ذلك؛ للأدلة التي أوضحناها في الفتوى المذكورة في صحيفة المسلمون في العدد الصادر يوم الجمعة ٢١ رجب ١٤١٥هـ.. (الموقع الرسمي للامام الشيخ ابن باز، «أجوبة على أسئلة بخصوص حكم الصلح مع اليهود»، در:

<https://binbaz.org.sa/discussions/84/%D8%A7%D8%AC%D9%88%D8%A8%D8%A9-%D8%B9%D9%84%D9%89-%D8%A7%D8%B3%D9%89%D9%84%D8%A9-%D8%A8%D8%AE%D8%B5%D9%88%D8%B5-%D8%AD%D9%83%D9%85-%D8%A7%D9%84%D8%B5%D9%84%D8%AD-%D9%85%D8%B9-%D8%A7%D9%84%D9%8A%D9%87%D9%88%D8%AF>.

2. <https://www.bbc.com/persian/world-46772514>



عربستان مسائلی در حال ترویج است که وهابیت سنتی طی دهه‌های گذشته به شدت با آن مخالفت کرده است. وهابیت رسمی تا چند سال قبل حتی به زنان اجازه شرکت در انتخابات و رانندگی نمی‌داد؛ ولی اکنون حکومت سعودی آزادی‌های بسیاری نظیر رانندگی،<sup>۱</sup> اجازه سفر به خارج کشور بدون همراهی ولی،<sup>۲</sup> ورود به استادیوم‌های ورزشی<sup>۳</sup> و حق صدور فتوا و قضاوت<sup>۴</sup> به زنان داده و وهابیت با ساختار سنتی، متعصب و افراط‌گرایانه‌اش به این اصلاحات تن داده است. این تحولات نشان‌دهنده آن است که وهابیت رسمی حتی در حوزه اجتماعی که تا چندی قبل در اختیار کامل آل‌شیخ بود، از آل‌سعود عقب مانده است. همان‌طور که قبلاً گفتیم، آل‌سعود در حوزه سیاسی و امنیتی و روابط خارجی فعالیت خود را پیش می‌برد و آل‌شیخ فقط در صدد توجیه رفتارهای آل‌سعود بود؛ ولی در حوزه امور اجتماعی، آل‌شیخ فعالیت چشمگیری داشت و آل‌سعود نیز از آنان تبعیت می‌کرد؛ اما امروزه حاکمیت سعودی حتی در حوزه اجتماعی وارد شده و با قوانین جدیدی عرصه را بر علمای رسمی سخت‌تر کرده است. این نشان می‌دهد که حوزه فعالیت علمی وهابی در داخل عربستان بسیار کاهش پیدا کرده و دولت سعودی در حال تبدیل شدن به دولتی سکولار حتی در حوزه اجتماعی است.

اصلاحات بن‌سلمان اگرچه به نام اصلاحات اقتصادی معرفی می‌شود، همه می‌دانند که این اصلاحات بیشتر در حوزه فرهنگی و اجتماعی است. اقدامات بن‌سلمان در سه حوزه جوانان، زنان و قرائت محمد بن‌سلمان از اسلام است.<sup>۵</sup> این اقدامات مخالف دیدگاه تعالیم رسمی وهابیت است. در حوزه جوانان، بن‌سلمان به دنبال آن است که جوان عربستانی جوانی مدرن معرفی شود و قطعاً چنین جوانی دیگر پیرو افکار وهابیت نخواهد بود. در حوزه زنان، اقدامات بن‌سلمان همه معادلات وهابیت رسمی را بر هم زده است. او سعی می‌کند زن را انسانی هم‌تراز مرد در جامعه عربستان معرفی کند. از آنجاکه زنان خط قرمزی برای وهابی‌ها بوده‌اند، اقدامات محمد بن‌سلمان با این اصول

1. <https://www.bbc.com/persian/world-44591009>

2. <https://b2n.ir/710543>

3. <https://www.bbc.com/persian/world-42668461>

4. <https://www.bbc.com/persian/world-46772514>

۵. مصاحبه با محمد مرادی، کارشناس مسائل عربستان، در: <https://www.iribnews.ir/008XX3>

و عقاید جمع‌شدنی نیست. همچنین قرائت محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، از اسلام به‌گونه‌ای است که حتی حوزه اجتماعی را - که تا قبل از این در انحصار شیوخ وهابی بود - گرفته است؛<sup>۱</sup> تا جایی که او حتی اختیارات هیئت امر به معروف و نهی از منکر را محدود کرد<sup>۲</sup> و در اولین سخنرانی خود بعد از سند ۲۰۳۰ اعلام کرد: «من به دنبال حاکم کردن اسلام میانه‌رو در عربستانم». وی با شعار اسلام معتدل، حتی به مسیحیان قبطی اجازه کنسرت داده است.<sup>۳</sup>

گزارشگر بی‌بی‌سی در سفری در سال ۲۰۱۸ به عربستان، اوضاع اجتماعی این کشور را بعد از اصلاحات بن سلمان با شور و شوق چنین ترسیم می‌کند:

در یکی از حومه‌های ریاض، صدها جوان سعودی با پوشش غربی، موبایل به دست، با ضرب موسیقی، بالا و پایین می‌پرند. نورافکن‌ها و نور لیزر فضا را مثل روز روشن کرده است. داوید گوئا، دی‌جی فرانسوی، روی صحنه است. کمی آن طرف‌تر، زنان جوان سعودی از ماشین‌های آخرین مدلشان پیاده می‌شوند تا اولین دوره مسابقات اتومبیل‌رانی فرمول E ریاض را تماشا کنند. قرار است انریکه ایگلسیاس و گروه بلک آید پیز هم برنامه داشته باشند. این تصویر عربستان سعودی مدرنی است که ولیعهد عزم کرده است بسازد. سرگرمی و تفریح مهیاست. سخت‌گیری فرهنگی تمام شده است. هرکس در چهل سال گذشته در عربستان زندگی کرده باشد یا حتی سفر رفته باشد، می‌فهمد این دگرگونی تا چه حد شگفت‌انگیز است. تا همین چند وقت پیش قابل تصور نبود که دختر و پسر آزادانه در چنین فضایی خوش بگذرانند. روحانیون محافظه‌کار که به نوعی ضامن مشروعیت خاندان حاکم‌اند، به هیچ وجه چنین چیزی را بر نمی‌تابند. عربستانی که من می‌شناختم، چهره‌ای عبوس و ملال‌آور داشت. جایی بود که پلیس مذهبی قهوه‌خانه‌هایی را که قلیان به مشتری می‌دادند، می‌بست و به رستوران‌ها اجازه نمی‌داد موسیقی پخش کنند. اما بن سلمان از همان سالی که ولیعهد شد، تلاش کرد - البته با حمایت پدرش - چهره عربستان سعودی را دگرگون کند. سینما، رانندگی زنان، کنسرت موسیقی... همه این سال‌ها ممنوع بود.

۱. مصاحبه با محمد مرادی، کارشناس مسائل عربستان، در: <https://www.iribnews.ir/008XX3>

۲. جریده الریاض، «منع الهيئة من المطاردة واستجواب الأشخاص والاكتفاء بمعاملتهم باللين»، به آدرس:

<http://www.alriyadh.com/1146183>

۳. فرانک گاردنر، «محمد بن سلمان ولیعهد سعودی چطور به قدرت رسید؟» به آدرس:

[https://www.bbc.com/persian/extra/aNRPTV8Flb/mohammed\\_bin\\_salman](https://www.bbc.com/persian/extra/aNRPTV8Flb/mohammed_bin_salman)



بن سلمان حالا می‌گوید که قصد دارد کشورش مهربان‌تر و ملایم‌تر باشد.<sup>۱</sup>  
 البته این گزارشگر به نقل از یک دیپلمات سابق بریتانیایی که از نزدیک چندین مرتبه  
 بن سلمان را دیده و خواسته است نامش فاش نشود، بن سلمان را این‌گونه توصیف  
 می‌کند:

بن سلمان اعتقاد عجیبی به خودش دارد؛ مثل تابش خورشیدی می‌ماند که ناگهان منفجر می‌شود و گاهی بیش از حد به خودش مطمئن است و یک گرایش ناشیگری هم دارد. رویکرد بن سلمان به اصلاحات مورد نظرش را می‌شود در یک جمله خلاصه کرد: «همین که هست!» به عبارت دیگر او اعتراض را بر نمی‌تابد. هر صدای مخالفی خفه می‌شود. فرقی نمی‌کند آن شخص چه کسی باشد؛ روحانی، فعال حقوق زنان، محافظه‌کار یا لیبرال. با اینکه بن سلمان خودش قائل به توسعه در رابطه با حوزه زنان است و ممنوعیت رانندگی را به زنان داده است؛ ولی با فعالان حقوق زنان به شدت مخالفت می‌کند؛ چون از دیدگاه بن سلمان اصلاحات فقط باید از بالا به پایین و تحت امر دربار باشد و دیگران حقی ندارند. به همین جهت در سال ۲۰۱۸ فعالان فرهنگی در حوزه زنان و معترضان مسالمت‌جو به شدت محاکمه و مجازات شدند. هر تغییر یا اصلاح قانون که از کف خیابان مطالبه شود، هرچقدر کوچک و جزئی باشد، تهدید به شمار می‌رود؛ آن هم در کشوری که حتی حزب سیاسی هم ندارد، چه رسد به احزاب مخالف. یک نمونه معروف آن لجین هذلول است، از زنان سعودی تحصیل‌کرده و فعال در رسانه‌های اجتماعی که تابستان پارسال تولد سی‌سالگی‌اش را در زندان بود. خانواده‌اش می‌گویند تنها گناه او این بوده که برای احقاق حق رانندگی زنان و برچیدن سلطه مردان بر زنان در عربستان تلاش کرده است. با اینکه زنان اکنون حق رانندگی دارند و قوانین ولایت مردان بر زنان هم کمی تعدیل شده است؛ اما هذلول و چندین زن فعال دیگر که خواسته‌ای جز این نداشتند، باید هزینه پیگیری مطالباتشان را پردازند؛ چون بن سلمان می‌خواهد همه این اصلاحات را به اسم خودش تمام کند و قرار نیست کسی جز او سرعت تحولات را تعیین کند.<sup>۲</sup>

گفتمان وهابیت در عربستان سعودی اگرچه به ظاهر دارد تغییر می‌کند، استبداد و خودکامگی بیداد می‌کند و هیچ‌کس حق ندارد سخنی بگوید؛ زیرا در غیر این صورت

۱. الأشخاص والاكتفاء بمعاملتهم بالین. <http://www.alriyadh.com/1146183>

۲. [https://www.bbc.com/persian/extra/aNRPTV8Flb/mohammed\\_bin\\_salman](https://www.bbc.com/persian/extra/aNRPTV8Flb/mohammed_bin_salman)

دستگیر و شکنجه می‌شود. محمد بن سلمان هیچ ابایی ندارد از اینکه از سرکوب‌ها دفاع کند. در مصاحبهٔ اخیرش اذعان کرده که انبوهی از شهروندان کشورش به خاطر اعتراض زندانی شده‌اند. به اعتقاد او، این بهایی است که باید برای گذر موفق از دوران اصلاحات پرداخت.<sup>۱</sup> بن سلمان با حمایت آمریکا دست به این تغییرات زده است و شیوخ رسمی وهابی نیز در برابر آن موضع‌گیری نمی‌کنند. این گزارشگر بی‌بی‌سی در ادامه می‌نویسد: «رابطهٔ دونالد ترامپ و محمد بن سلمان از همان آغاز دوران ولی‌عهدی‌اش نزدیک بود. اولین سفر خارجی ترامپ در قامت رئیس‌جمهور آمریکا به ریاض بود. ضمن اینکه دامادش، جرد کوشنر، رابطهٔ کاری نزدیکی با بن سلمان برقرار کرده است».

افشاگر سعودی، ملقب به مجتهد در خبرگزاری فرمانطقه‌ای القدس العربی، ملک سلمان و فرزندش بن سلمان را اشخاصی بی‌دین توصیف می‌کند که در ظاهر به دین پایبندند. این سخنان ما را برای شناخت گفتمان جدید وهابیت که حکومت سعودی به دنبال آن است، بهتر یاری می‌رساند. مجتهد دربارهٔ ملک سلمان می‌نویسد:

ملک سلمان از «فرمان‌برداری از دین» متنفر بود و اگرچه در ظاهر آن‌چنان این اخلاق خود را نشان نمی‌داد؛ اما در محافل خصوصی تأکید می‌کرد که خطرناک‌ترین چیز برای حکومت آل‌سعود، اطاعت و کرنش در برابر دین است. سلمان در مجامع خصوصی خود و در حضور فرزندش موعظه می‌کرد که به زودی دوران اطاعت از دین به پایان می‌رسد و حکومت دین به کشور باز نمی‌گردد و کاربرد شریعت در حکومت فیصله می‌یابد و تمام تابوهای اجتماعی هم خاتمه می‌یابد. سلمان به اقتضای شرایط با علما و شیوخ قبایل قرابت داشت؛ اما کسانی که در دایرهٔ اعتماد او بودند و به آنها حق نفوذ بر فرزندانش را می‌داد، عثمان العمیر عبدالرحمن الراشد و ترکی الحمد و دیگر کسانی بودند که به خصومت با دین و مسخ هویت اسلامی و عربی‌شان شهره هستند. به این ترتیب محمد بن سلمان در یک فضای ضد‌دین و ضد‌اخلاق و ارزش‌ها که خواهان جدا شدن وطن از هویت عربی و اسلامی است، زندگی کرده است و نزد عده‌ای زنادقه و اهل بدعت شاگردی کرده است و این عوامل از او یک شخصیت کاملاً مسخ شده ساخته است. برخی از افراد متدین که موفق به نفوذ به دایرهٔ بن سلمان شده‌اند و دین‌داری خود را پنهان کرده‌اند، می‌گویند: بن سلمان حتی نامی از خدا بر زبانش



1. [https://www.bbc.com/persian/extra/aNRPTV8Flb/mohammed\\_bin\\_salman](https://www.bbc.com/persian/extra/aNRPTV8Flb/mohammed_bin_salman)

جاری نمی‌شود و هنگامی که متوجه احساسات مذهبی یکی از اطرافیان خود می‌شود، بلافاصله او را از دایره پیرامون خود بیرون می‌کند. بن‌سلمان به قدری تحت تأثیر العمیر، الراشد و الحمد قرار گرفته است که در مجامع خصوصی خود اسلام را به خودی خود خطر می‌خواند؛ نه فقط خطری که از سوی جریان الصحوه احساس می‌کند و آن را علناً نشان داده است، بلکه او متون قرآن و سنت پیامبر را نیز خطر محسوب می‌کند. به نظر او، اگر اسلام سیاسی نابود نشود و خاکسترش باقی بماند، می‌تواند روزی روشن شود و مردم را علیه حاکمیت بشوراند. به همین جهت حتی جریان مدخلی را دشمن خود می‌داند. از همین روست که موارد توهین به اصول دین، توهین به پیروان آن و پیوند دادن دین با عقب‌ماندگی و تروریسم که در مقالات، مصاحبه‌ها و توثیفات افراد شناخته‌شده در عربستان مشاهده می‌شود، تقریباً همه آنها تحت راهنمایی شخصی بن‌سلمان انجام می‌شود و افراد متهم به آن از هر مجازاتی مصونیت کامل دارند؛ حتی اگر برخی از آنها به شکلی ظاهری محاکمه شوند. اقدام بن‌سلمان در بازداشت علما و مبلغین دین و مجبور کردن آنها به تحمل حبس خانگی و فشار بر برخی از علما برای صدور فتواها و مواضع خیانتکارانه هم با هدف دستیابی به همان هدف جنگ علیه دین و یک کارزار شدید برای تحریف دین در جامعه عربستان است.<sup>۱</sup>

مجتهد در نهایت می‌نویسد: افراد نزدیک به بن‌سلمان می‌گویند که او رابطه قدرت با دین را رو به پایان می‌داند و می‌گوید این قضیه باید با صدای بلند اعلام شود. وی در جلسات خود بارها قصدش را برای جرم شمردن وهابیت و معافیت از آن اعلام کرده است. در همین زمینه رسانه‌های مختلف سعودی دستور گرفته‌اند که زمینه و بستر لازم برای اجرای این امر مهم را فراهم آورند و کمپینی غیررسمی علیه وهابیت و به اصطلاح بزرگان دینی نجدی راه‌اندازی کنند.<sup>۲</sup>

۱. القدس العربی، «مجتهد» یکشف معلومات مثيرة عن نظرة بن‌سلمان للدين والسلطة والمال - (تغريدات)، در:

<https://www.alquds.co.uk/%D9%85%D8%AC%D8%AA%D9%87%D8%AF-%D9%8A%D9%83%D8%B4%D9%81-%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85%D8%A7%D8%AA-%D9%85%D8%AB%D9%8A%D8%B1%D8%A9-%D8%B9%D9%86-%D9%86%D8%B8%D8%B1%D8%A9-%D8%A8%D9%86-%D8%B3%D9%84/>

%D9%8A%D9%83%D8%B4%D9%81-

%D9%85%D8%B9%D9%84%D9%88%D9%85%D8%A7%D8%AA-

%D9%85%D8%AB%D9%8A%D8%B1%D8%A9-%D8%B9%D9%86-

%D9%86%D8%B8%D8%B1%D8%A9-%D8%A8%D9%86-%D8%B3%D9%84/

به قدرت رسیدن محمد بن سلمان را باید اوج قدرت گرفتن جریان لیبرال مقابل جریان وهابی در عربستان سعودی دانست. بن سلمان علاوه بر تشدید درگیری و دشمنی با جریان اخوان المسلمین، دوم آوریل ۲۰۱۸ مدعی شد: «چیزی به نام وهابیت در عربستان سعودی وجود ندارد».<sup>۱</sup> در دوره وی، تعداد بسیاری از رجال دینی و مبلغان سلفی و اخوانی بازداشت شدند که از شاخص ترین این افراد می توان سلمان العوده و عائض القرنی را نام برد که مدتی را در زندان به سر می بردند. فردی چون محمد العریفی، مبلغ معروف، با گرایش وهابی نیز مدتی در بازداشت به سر برد و قبل از آن نیز از سخنرانی در کشور سعودی ممنوع شده بود. العریفی یکی از شیوخ محبوب نزد سلفیه است که فقط در توئیتر بیش از بیست میلیون دنبال کننده دارد.<sup>۲</sup>

عائض القرنی یکی دیگر از شیوخ معروف صحوی به سبب فشارهای حکومت سعودی مجبور شد در تلویزیون حاضر شود و رسماً عذرخواهی کند. در گفت و گوی زنده تلویزیونی، مجری سؤال صریحی از او کرد و تلویحاً از او خواست که صراحتاً عذرخواهی کند:

«عائض القرنی، یکی از رهبران الصحوه و یکی از رهبران مهم آن، آیا به دلیل دوره فعالیت الصحوه، عذرخواهی به جامعه سعودی بدهکار نیست؟ آیا می گویی که بله، اشتباه کردیم و از جامعه عربستان سعودی می خواهیم که مرا ببخشد؟ این لب کلام است در این برنامه». القرنی در پاسخ گفت: بله، فهمیدم چه می گوید. بینید من انسان [معمولی] هستم، نه نبی خدا. اما مجری حرف او را قطع کرد و گفت، حرف صریح می خواهم [بگو اشتباه

۱. القدس العربی، «ولي العهد السعودي: لا تعرف "الوهابية".. ولا وجود لها في المملكة»، تاریخ انتشار: ۳ ابریل ۲۰۱۸، به آدرس: به آدرس

<https://www.alquds.co.uk/%D9%88%D9%84%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%87%D8%AF-%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%D9%88%D8%AF%D9%8A-%D9%84%D8%A7-%D9%86%D8%B9%D8%B1%D9%81-%D8%A7%D9%84%D9%88%D9%87%D8%A7%D8%A8%D9%8A%D8%A9-%D9%88%D9%84/>

۲. الجزيرة، «أين الداعية محمد العريفی؟.. توقف نشاطه علی مواقع التواصل» تاریخ انتشار: ۳/۱۹/۲۰۱۹ به آدرس:

<https://www.aljazeera.net/news/politics/2019/1/3/%D9%88%D8%B3%D8%A7%D8%A6%D9%84-%D8%A7%D9%84%D8%AA%D9%88%D8%A7%D8%B5%D9%84-%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%B1%D9%8A%D9%81%D9%8A-%D8%A7%D9%84%D8%B3%D8%B9%D9%88%D8%AF%D9%8A%D8%A9>

کردی و عذرخواهی می‌کنی یا خیر؟].<sup>۱</sup> القرنی ادامه داد: باشد. با صراحت می‌گویم. من به نیابت از [جریان] الصحوه، با شجاعت کامل و با صراحت کامل می‌گویم... از جامعه عربستان سعودی عذرخواهی می‌کنم. من اشتباهاتی داشته‌ام؛ [از جمله] سخت‌گیری؛ اشتباهاتی که برخلاف کتاب و سنت بود یا برخلاف سهل‌گیری دین بود یا برخلاف دین معتدل و میانه‌رو بود. به نیابت از الصحوه از جامعه سعودی عذرخواهی می‌کنم؛ چه غایبان، چه حضار... من الان با آن اسلام معتدل گشاده‌رو بر عالم و آن اسلام میانه‌رویی هستم که والاحضرت شاهزاده محمد بن سلمان به آن دعوت کرده است...»<sup>۱</sup>.

با وجود همه اقدامات مخرب بن سلمان، علمای رسمی وهابی (آل شیخ) مخالفی با او نکردند؛ زیرا آنها به خوبی می‌دانند تا زمانی قدرت دارند که دولت سعودی در کنار آنها باشد. به همین سبب سعی می‌کنند در همه رفتارهای حاکمان با آنها کنار بیایند. عقب‌نشینی‌های مکرر آل شیخ در برابر آل سعود، آنان را به وهابیتی تلطیف‌شده و شبه‌دولتی تبدیل کرده که تنها وظیفه‌اش تأیید اوامر پادشاه است.

هر زمان که تضاد و اختلافی بین نهاد سیاسی و نهاد دینی روی داده، همواره نهاد سیاسی پیروز شده است. این روند در زمان ملک عبدالعزیز، ملک فیصل، ملک عبدالله و امروز در زمان بن سلمان تکرار شده است و ما شاهد کوتاه آمدن‌های متعدد آل شیخ در برابر آل سعود بوده‌ایم. پس وهابیت امروز، هیچ شباهتی به وهابیت محمد بن عبدالوهاب یا حتی وهابیت ۱۹۲۵ ندارد و تبدیل به دستگامی برای توجیه اقدامات پادشاه سعودی شده است. وهابی‌ها به شدت به دنبال حفظ قدرت و منفعت‌اند و منفعت آنها زمانی تأمین می‌شود که در خدمت پادشاه سعودی باشند. وهابی‌ها در حال حاضر سه وزارت‌خانه در اختیار دارند. قریب به ۲۵ درصد از کارکنان دولت وهابی‌اند. «هیئت کبار العلماء» به‌عنوان شورای مشورتی در خدمت پادشاه است و فتوا صادر می‌کند؛ بودجه مخصوص دارند؛ در همه نهادها نماینده دارند و در کشورهای دیگر هم مدارسی

۱. ویدئوی سخنان عائش القرنی در خبرگزاری فارس موجود است:



دارند که وهابیت را تبلیغ می‌کنند. وهابی‌ها به لحاظ سیاسی به شدت سازش‌کار، و به لحاظ اجتماعی بسیار محافظه‌کار شده‌اند. به همین دلیل طی زمان شاهد اعتراض چندانی از سوی وهابیت رسمی به پادشاهی نبوده‌ایم.

### نتیجه

وهابیت از زمان محمدبن عبدالوهاب تا عصر حاضر، تغییرات بسیاری کرده است. در سال‌های اخیر، آل‌شیخ با سیلی از اصلاحات آل‌سعود در حوزه مسائل سیاسی و مذهب مواجه شده است. اکنون وهابی‌ها با معمای پیچیده‌ای مواجه شده‌اند که از یک طرف اگر با اصلاحات مقابله کنند، همه چیز خود را خواهند باخت و اگر با اصلاحات بن‌سلمان کنار بیایند، چیزی از وهابیت باقی نخواهد ماند و با از بین رفتن اصول حداقلی شده وهابیت، مرگ این فرقه فرا خواهد رسید.



## منابع

۱. ابن بشر، عثمان بن عبدالله، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ریاض: مطبوعات داره الملك عبدالعزيز، ۱۴۰۲ق.
۲. ابن عبدالوهاب نجدی، محمد، الرسائل الشخصية، تحقیق: صالح الفوزان و محمد بن صالح العقیلی، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود، بی تا.
۳. ابوریث، سعید، آل سعود و انتفاضة الحرم، جزوه سازمان انقلاب اسلامی جزیره العرب، تهران: بی نا، بی تا.
۴. احمدیان، حسن، دین و دولت در عربستان سعودی از دولت وهابی تا وهابیت دولتی، کتاب خاورمیانه، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، ۱۳۹۱ش.
۵. امیر سعود بن هذلول، تاریخ ملوک آل سعود، ریاض: دارالعاصمة، ۱۴۱۹ق.
۶. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی بن باز، تحقیق: محمد بن سعد الشویعر، بی جا: بی نا، بی تا.
۷. جمعی از نویسندگان، موسوعة المملكة العربية لسعودية، ریاض: مكتبة الملك عبدالعزيز العامة، ۱۴۲۸ق.
۸. الدویش، أحمد بن عبدالرزاق، فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، بی جا: انتشارات الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء، بی تا.
۹. الرشید، مضای، عربستان سعودی و جریان های اسلامی جدید، ترجمه: رضا نجف زاده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، ۱۳۹۳ش.
۱۰. عبدالملکی، محسن، وهابیت تاریخ و افکار، قم: انتشارات دارالاعلام، ۱۳۹۴ش.
۱۱. العثمین، عبدالله صالح، تاریخ المملكة العربية السعودية، ریاض: جامعة الملك سعود، چاپ نهم، ۱۴۳۰ق.
۱۲. فاسلیف، ایلکسی، تاریخ العربية السعودية، بیروت: بی نا، ۱۹۹۵م.
۱۳. القاضی، ابراهیم بن محمد، تاریخ القصیم السياسي، تحقیق: عبدالله عبدالرحمن البسام، بی جا: دار العاصمة، ۱۴۱۹ق.
۱۴. مالکی، حسن بن فرحان، نگاهی به غلواندیشی و افراطگرایی علمای معاصر عربستان (جذورات داعش)، ترجمه: مؤسسه هنری آفتاب خرد، بی جا: آفتاب خرد، ۱۳۹۶ش.
۱۵. الموقع الرسمي للامام الشيخ ابن باز، «أجوبة على أسئلة بخصوص حكم الصلح مع اليهود»،

۱۶. وهبه، حافظ، جزيرة العرب في القرن العشرين، بي جا: الدار العربية للموسوعات، ۲۰۱۰م.

17. <http://www.alriyadh.com>
18. <https://b2n.ir>
19. <https://www.aljazeera.net>
20. <https://www.alquds.co.uk>
21. <https://www.bbc.com/persian>
22. <https://www.farsnews.ir>
23. <https://www.iribnews.ir>



